

مالکیت فکری در موافقت‌های بین‌المللی و نگاهی به جایگاه آن در مصر^۱

اسامة المحدوب

ترجمه محمدعلی روحانی دزفولی

از اواخر قرن نوزدهم اندیشه‌های نو در زمینه «مالکیت فکری» در جهان مطرح شد. در این زمان که علوم و فنون رو به شکوفایی بودند، رابطه تنگاتنگی میان پیشرفت علم، صنعت و خلاقیت‌های فنی و ادبی از یک سو و توجه و اهتمام بیش از حد نسبت به آنچه مالکیت فکری نامیده می‌شد، از سوی دیگر به وجود آمده بود.

مقصود از حق مالکیت فرد بر فکر و اندیشه، مجموعه ضوابطی است که شخص صاحب فکر و خلاقیت را در عرصه کارهای فنی یا ادبی و سایر خلاقیت‌های علمی مشابه قادر می‌سازد که نسبت به ابتکارات فکری خود احساس مالکیت کند. از جمله می‌توان به حق مالکیت صنعتگران و مخترعان اشاره کرد که قدرت به ثبت رساندن یا گذاشتن علامت‌های تجاری روی اختراعات خود را به دست می‌آورند و مصنوعات فنی را برای خود و به نام خود حفظ می‌کنند. در عین حال برای سایر مخترعین و کسانی که خلاقیت‌های مشابه و همسو با آنها دارند، هیچ‌گونه محدودیت و مزاحمتی فراهم نمی‌آورند.

اولین قراردادی که در مورد حق مالکیت فکری و اندیشه خلاقیت‌های فنی میان دولت‌ها منعقد شد، در سال ۱۸۸۳ بود. این توافق‌نامه مبتنی بر قرارداد حق مالکیت فکری و ابتکار، در پاریس منعقد شد. هم‌اکنون ۱۲۰ دولت از مفاد این قرارداد تبعیت می‌کنند، متعاقب این قرارداد، مجمع دیگری در سال ۱۸۸۶م در شهر برن با هدف حمایت از حقوق مؤلفین و مصنفین ادبی و فنی تأسیس شد. در حال حاضر ۱۵۰ کشور عضو این مجمع هستند. برای پی‌گیری اجرای مصوبات این مجمع، دو دفتر مستقل

به وجود آمد که بعدها به نام دفتر بین‌الملل نام‌گذاری شد. در سال ۱۸۹۳م، آن دو دفتر ادغام و موجب رونق بیشتر کار شدند. در واقع به دلیل گستردگی و حجم زیاد مصوبات، چنین تحولی مبارک و مؤثر واقع شد. زیرا ایجاد بستر مناسبی برای انعقاد قراردادهای حق مالکیت فکری و تصویب مواد مختلف و بالاخره سامان یافتن امور حقوق پدیدآورندگان بود. به همین دلیل مجموعه بین‌المللی تحت عنوان سازمان جهانی مالکیت بر فکر و اندیشه، با نام اختصاری ویپو^۲ در ۱۹۶۷ ایجاد شد و در ۱۹۷۰ فعالیت رسمی خود را آغاز کرد و از سال ۱۹۷۴ به صورت یکی از زیر مجموعه‌های تخصصی سازمان ملل متحد به کار خود ادامه داده است. این سازمان هم‌اکنون دارای ۱۴۷ عضو از کشورهای مختلف می‌باشد و بر ۲۳ قرارداد بین‌المللی که شامل حق مالکیت فرد بر فکر و اندیشه است، نظارت دارد. بنا بر این این رخداد به ظاهر کوچک علاوه بر این که سهم مهمی در جهت دادن به مسئله مالکیت فکر داشت، توجه عمومی را به اهمیت آن جلب نمود. زیرا کشورهای در حال توسعه در نزاع دائمی با کشورهای پیشرفته به سر می‌برند. منشاء این کشمکش و نزاع نیز وجود قدرت خلاقیت و ابتکار و اختراع در کشورهای صنعتی و فقدان آن در سایر کشورها است. اگرچه کشورهای پیشرفته سعی دارند اختراعات و خلاقیت‌های صنعتی خود را به سایرین عرضه کنند، اما دولت‌های عقب‌مانده، علی‌رغم تخلفات هیچ‌گاه، حاضر به پاسخ‌گویی هم نیستند و کوشش کشورهای توسعه‌یافته جهت تفهیم محترم بودن حقوق مؤلفین و مصنفین و این که هر کس مالک فکر و اندیشه خود می‌باشد، بی‌نتیجه مانده است. حتی در برخی موارد با مخالفت روبرو شده است. بنا بر این بعضی کشورهای توسعه‌یافته سعی کردند این مطلب را ضمن برنامه‌های تجاری خود با کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه بگنجانند. از این رو حق مالکیت فکری و نظارت مؤسسه جهانی ویپو بر آن پس از رایزنی‌های متعدد سرانجام قرار شد تحت برنامه تجاری صرف مطرح شود. تلاش‌های انجام یافته متعاقب آن ایده، به توافقنامه تجاری تریپس^۳ منجر شد. در واقع می‌توان گفت قرارداد مالکیت فکری یکی از بزرگترین موافقت‌نامه‌ها در سطح جهان است. ۷۳ ماده مهم در این موافقت‌نامه وجود دارد که هر کدام نیز حاوی تبصره‌های جانبی بسیار و در مجموع مشتمل بر مواد اساسی و مهم است.

شاید بارزترین چیزی که در آن به چشم می‌خورد، موضوعی است که در بند اول گنجانده شده است و در آن به احکام پیمان‌نامه‌های برن مبنی بر حمایت از آثار فنی و ادبی و پیمان‌نامه پاریس مبنی بر حمایت از مالکیت صنعتی و پیمان‌نامه رم مبنی بر حمایت از هنرمندان و تولیدکنندگان نوارهای صوتی و گروه‌های رادیویی استناد شده است. همچنین وظیفه حمایتی از مالکیت فکری در نهادهای پیشرفته^۴ در قانون‌های این سازمان پیش‌بینی شده است. تمامی این موافقت‌نامه‌ها و قوانین به منزله تضمین‌نامه‌هایی است که در رأس قوانین دولتی و برای تنظیم حقوق مالکیت فکر قرار دارد. البته توافق‌نامه مالکیت فکری موجب لغو سایر موافقت‌نامه‌ها یا جایگزین آنها نشده است. بلکه مکمل آنها

است و به استناد همان قوانین و مقررات محدودیت‌هایی را برای اعضای سازمان جهانی تجارت ایجاد کرده است. علاوه بر آن سلسله محدودیت‌هایی به اجرا گذاشته شد که ناشی از انعقاد پیمان‌نامه جدید بود. ولی تداخلی در احکام یکدیگر نداشتند و این موافقت‌نامه شامل مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های عمومی بود که به استناد احکام و دستورالعمل‌های گات البته بعد از پیرایش و نزدیک کردن آن با طبیعت حقوق مالکیت فکری به وجود آمد. در ذیل به مجموعه‌ای از قوانین و مقرراتی اشاره می‌کنیم که به صورت عام اهداف و خواسته‌های موافقت‌نامه را شامل می‌شود و اعضا را به پیروی از آنها ملزم می‌کند.

مبدأ دادوستدهای شهری

کلیه اعضا موظف هستند تسهیلاتی برای شهروندان دیگر کشورها که عضویت پیمان‌نامه را پذیرفته‌اند، فراهم نمایند. این تسهیلات باید در همان حد و اندازه‌ای باشد که شهروندان خود آن‌ها از آن بهره‌مند هستند. البته در موارد استثنایی دولت‌ها می‌توانند برای شهروندان خود حقوق ویژه‌ای قائل شوند و به آن‌چه در چهار پیمان‌نامه اصلی به آن تصریح شده، عمل کنند. به شرط آن که این تسهیلات و استثنائات قیود پنهان و دست و پا گیری سر راه تجارت نباشند. در این‌جا مراد از کلمه حمایت کلیه اموری است که در به کار گرفتن حقوقی که در این پیمان‌نامه به آن اشاره شده است، مؤثر باشد. قابل ذکر است التزام به این اساس‌نامه باعث می‌شود کشورهای عضو نسبت به ایجاد تسهیلات در قوانین خود و در مواقع ضروری برای به وجود آوردن شرایط مناسب تجارت با بیگانگان اقدام کنند. اگرچه در پیمان‌نامه به صراحت بر الزام دولت‌ها به تعدیل قوانین در این مورد اشاره نمی‌شود، لکن نتیجه منطقی التزام به احکام پیمان‌نامه مبین این معنا است. مهم‌تر این‌که در جاهای دیگر پیمان‌نامه تسهیلات قانونی مورد تأکید قرار گرفته است.

اصل دیگر مورد توجه مربوط به عضویت است که از تسهیلاتی از سوی این سازمان برخوردار شده باشد. سازمان باید سریعاً و بدون تبعیض این تسهیلات را به تمامی کشورهای عضو ابلاغ کند. مگر این‌که این عمل، یعنی برتری دادن یک عضو به دیگران، ناشی از توافق‌نامه‌های بین‌المللی باشد که در مورد کمک‌های قضایی و گسترش قوانینی کارکرد دارند که فراتر از قانون حمایت از ماهیت فکری عمل می‌کنند یا این‌که آن تسهیلات بر طبق مفاد توافق‌نامه‌های برن و رم باشد. زیرا هر دو این توافق‌نامه‌ها در موارد تسهیلات ایجاد شده در معاملات خصوصی غیرمرتبط با معاملات با سایر دولت‌های عضو تعیین حدود نکرده‌اند. بلکه آن‌چه مجاز دانسته‌اند، همان تسهیلاتی است که بر اساس معاملات اعضا با سایر کشورها به وجود می‌آید، اما به رغم وجود تناقض میان این استثناء با موضوع داد و ستد داخلی، تسهیلات به صورت عام یا مطلق نیست. بلکه استثناء مشروط و بر طبق احکام و شرایط و مقرراتی است، که در حدود توافق‌نامه‌های برن و رم به وجود آمده است.

همچنین معاملاتی که در نتیجه پیمان‌نامه‌های دولتی متعلق به حمایت مالکیت فکری بوده‌اند و پیش از آن که سازمان جهانی تجارت در این زمینه، قانونی وضع کرده باشد، میان دولت‌ها اجرا می‌شده‌اند، از اولویت برنامه‌های کاری دولت برداشته می‌شود تا اختراهای سازمان حمایت از حقوق مالکیت فکری از یکپارچگی لازم برخوردار باشد و برای متخلفان مستمسکی به وجود نیاید که ادعا کنند که احکام و قوانین مربوطه دارای نوعی خودسری و محدود کننده آزادی‌های فردی و اجتماعی است.

هدف‌های توافق‌نامه

توافق‌نامه نشان می‌دهد حمایت از حقوق مالکیت فکری سهم به سزایی در پیدایش فن‌آوری داشته است. همچنین در نقل و توسعه آن برای دست اندرکاران و سازندگان این صنعت و نسبت به ایجاد رفاه اجتماعی و اقتصادی و برقراری موازنه میان انجام وظیفه و پرداخت حقوق نقش مهمی ایفا کرده است.

با این وجود، حق مالکیت فکری نباید به ارابه‌ای تبدیل شود که تنها وظیفه آن انتقال نظام پیشرفته علم و صنعت به سایر مناطق است. چون اگر چنین تفسیری داشته باشیم، به کشورهای در حال توسعه موقعیتی داده‌ایم تا باعث از بین بردن فرصت‌هایی شود که در اختیار کشورهای پیشرفته است. به این معنی که کشورهای پیشرفته مقررات حمایت از حقوق مالکیت فکری را به عنوان وسیله معینی به کار می‌گیرند. به عبارت دیگر از نقل فن‌آوری در حدی که برای عملیات توسعه لازم است، استفاده ابزاری می‌کنند. کما این که بنا به مفاد توافق‌نامه اعضا مجاز هستند تدابیری اتخاذ کنند که نسبت به بهداشت عمومی و نظارت بر مواد غذایی و مصالح اجتماعی دیگری که به رشد سریع اقتصادی و اجتماعی و صنعتی کمک می‌کند، به شرط آن که با مفاد پیمان‌نامه هماهنگی داشته باشد، از حمایت خاصی برخوردار باشد. همچنین به اعضا اجازه داده شده تدابیری اتخاذ کنند تا از جانب کسانی که مشمول حق مالکیت فکری هستند از موقعیت‌های به دست آمده سوء استفاده نشود. چنین سوء استفاده‌ای شامل منع دیگران از بهره‌وری یا عدم همکاری با دولت‌های‌شان در جهت انتقال فن‌آوری و یا ایجاد مانع بر سر راه بازرگانان و نظائر آن است. همچنین وجود پیش‌شرط‌های محدود کننده‌ای که باعث زیان صاحبان کالا می‌شود و آنها را از حقوق طبیعی‌شان محروم می‌کند یا این که شروط ظاهری بازرگانی دارد ولی سبب محدود شدن اعضا یا دولت‌ها می‌شود، به طوری که آنها را از وارد کردن کالاهایی منع می‌کند که صنعت و فن‌آوری را همراه خواهد داشت، جزو سوء استفاده محسوب می‌شود. در هر حال هدف اجمالی توافق‌نامه ایجاد بستر مناسب برای رد و بدل کردن فن‌آوری و آشنا کردن طرفین به مسائل علمی، صنعتی و تجاری است، در عین این که منافع هر دو طرف مستقل و محفوظ بماند و به رسمیت شناخته شود.

التزامات عمومی و عمل به آنها

کشورهای عضو موظف به وضع قوانینی هستند که با مندرجات توافق‌نامه و اصول آن که عدم تعدی به حقوق مالکیت فکری است، هماهنگ باشد. آن‌ها باید منصفانه و به دور از هرگونه پیچیدگی یا الزام افراد به انجام اعمال غیر ضروری جلو هرگونه سوءاستفاده و تعدی را بگیرند. اگرچه الزام دولت‌ها به وضع قوانین عادی و ساده به این معنی نیست که نظام قضایی خاصی برای حمایت از حقوق مالکیت فکری ایجاد کنند. اما این امر نمی‌تواند باعث چشم‌پوشی آن‌ها از مقررات و قوانین خاص مربوط به خود شود. از طرف دیگر توافق‌نامه، کشورهای عضو را ملزم می‌کند به اعضا و طرف قرارداد فرصت بدهند در صورت وجود اختلاف میان طرفین به قوانین قضائی و حقوقی دسترسی داشته باشند و از طرفی این اختیار را داشته باشند که هنگام لزوم از وکیل دعاوی جهت استیفای حقوق خویش استفاده کنند و هرگونه سند و مدرکی که مربوط به مسئله مورد اختلاف باشد، به مقامات عرضه کنند. مقامات قضایی نیز که در حل مخاصمه دخیل هستند، قادرند از دوطرف بخواهند هرگونه سند و مدرکی که در اختیار دارند عرضه کنند. چنانچه هرکدام از آنها بدون دلیل موجه در عرضه ادله و شواهد و مدارک کوتاهی کند، عضو یا اعضا می‌توانند از مسئولین قضایی بخواهند احکام مقدماتی و نهایی را در حد همان معلومات داده شده، انشاء کنند. منتها حکم صادره باید در حد و اندازه‌ای باشد که صاحب حق بتواند از آن استفاده کند و ضرر فوق‌العاده‌ای به او وارد نیاید. از طرف دیگر مسئولین قضایی که احکام خود را جهت مصالح صاحب حق صادر کرده‌اند، در صورت مشاهده هر نوع سوء استفاده می‌توانند صاحب حق را به پرداخت ضرر و زیان ناشی از سوء استفاده ملزم کنند. این در صورتی است که متشاککی از سوء رفتار شاککی در زمینه اجرای حکم متحمل خسارت شده باشد. بنا بر این وجود چنین مقرراتی حکایت از این دارد که توافق‌نامه، خود متکفل تحقق اهداف عالی سازمان، یعنی تأمین حقوق و مراعات کامل منافع اعضا در حالات مختلف است. از طرفی توافق‌نامه به وضع مقرراتی که فقط به دادخواهی در زمینه‌های ارتکاب جرم باشد، محدود نیست. بلکه شامل برخی قوانین و مقرراتی است که می‌تواند مانند سدی تعدیات اعضا را به یکدیگر، به خصوص در زمینه واردات کالا مانع شود. که خود تخلف از قانون حق مالکیت فکری است و راه وصول به مجاری تجاری را بر عضو وارد کننده کالا می‌بندد. در این موارد از طریق صحه گذاشتن بر احکام و اوامر مسئولین قضایی در زمینه دفع ضرر نسبت به یکی از طرفین مرافعه و همچنین برای حفظ اسناد و مدارک مربوط به مسئله مورد اختلاف می‌توان به نتیجه رسید. در همین رابطه می‌توان از قوانین و مقرراتی استفاده کرد که به عنوان قدرت بازدارنده شناخته می‌شوند. چنانچه تشخیص داده شود با دادن اخطار به طرف‌های درگیر می‌توان از وقوع جرم جلوگیری کرد، لازم است این عمل انجام شود. همچنین در بند چهارم توافق‌نامه آمده است داد و ستد کالاهای مشابه یا کالاهای با علائم تجاری خاص ولی فاقد

ارزش حقوقی به طوری که مثلاً در ترخیص آنها از گمرک توجهی به آن علائم نمی‌شود یا نوشته‌های فنی و ادبی که از چاپ یا نسخه‌برداری آنها مدتی گذشته است، بدون این که حق تألیف یا نسخه‌برداری از آن را به جایی منحصر کرده باشند، نوعی تجاوز به حق مالکیت فکری و ایجاد ضرر برای صاحبان اصلی این کالاها است. در این مورد نیز پیمان‌نامه اجازه داده است کشورهای عضو هنگام ترخیص چنین کالاهایی از گمرک، تسهیلاتی برای صاحب کالا در نظر بگیرند. از طرف دیگر مسئولین گمرک موظف هستند در مورد خودداری از ترخیص کالا به وارد کننده هشدار دهند و از وی بخواهند اقدامات قانونی انجام بدهد. ضمن این که مدت نگهداری کالا از زمان اخطار تا شروع در برنامه‌های قانونی جهت آزادسازی نباید بیش از ده روز باشد. در غیر این صورت، یعنی عدم وجود دعاوی حقوقی و قضایی بر علیه وارد کننده، مسئولین گمرک حق دارند پس از بررسی مدارک مربوط به قانون واردات و صادرات، جهت ترخیص کالا اقدام لازم را انجام بدهند. این مواد قانونی با هدف روحیه دادن به صاحب حق در مورد پی‌گیری شکایت خود نسبت به واردکنندگان کالاهای مشابه که موجب شده‌اند از این طریق مصالح وی در معرض خطر قرار گیرد، از طرف سازمان حمایت از حقوق مالکیت فکری تدوین و در اختیار اعضا قرار داده شده است. از طرف دیگر حمایت از متهم و تضمین حقوق وی در قبال سوء استفاده صاحب حق از فرصت به دست آمده جهت ایجاد تشویش و هیاهو نسبت به کالای وارداتی مشابه که چه بسا ممکن است با کالای اصلی هیچ‌گونه فرقی نداشته باشد و تنها به سبب این که در رقابت با حریف قرار گرفته است، باید از دور خارج شود، پیش‌بینی شده است. زیرا همین امر سبب عدم ترخیص از گمرک می‌شود و در نتیجه منافع واردکنندگان به صورت جدی مورد تهدید قرار می‌گیرد. از سوی دیگر توافق‌نامه اعضا را ملزم می‌کند تا در برابر قوانین و مقرراتی تسلیم باشند که در خصوص افراد خطاکار وضع شده است تا در صورت تخلف از قوانین تجاری مانند استفاده غیر مشروع از علائم ثبت شده یا حقوق دیگری که مالکیت آن برای فرد یا افراد دیگر تعیین شده است، مورد تعقیب قانون قرار بگیرند و به جزای نقدی یا زندان یا هر دو محکوم شوند. افزون بر این که کلیه کالاهای کشف شده و وسائل تولید آنها ضبط و مصادره خواهد شد. بنا بر این و بر طبق مفاد موجود در توافق‌نامه کلیه اعضا موظف به وضع قوانینی هستند که متضمن برخی مجازات‌های کیفری بازدارنده باشند تا جلو تجاوز به حقوق دیگران گرفته شود. این قوانین جریمه نقدی یا حبس یا هر دو را شامل می‌شود. به علاوه مصادره کالاهای کشف شده و عوامل مؤثر در تولید آنها نیز جزو مجازات است. پس دولت‌های عضو وظیفه دارند تسهیلات قانونی لازم جهت ایجاد مراکز قانونگذاری را به وجود آورند تا مجازات‌های لازم را در مورد متخلفین و متجاوزین به حقوق مالکیت فکری اعمال کنند. البته موضوع مربوط به مدت زمان زندان یا جریمه‌های نقدی تعیین شده باید در اختیار مسئولین همان حکومت باشد تا به مسائل اقتصادی و اجتماعی خاصی که دارند، خدشه وارد نشود.

حقوق مؤلف

از قرن نوزدهم به بعد حقوق مؤلف در اکثر کشورهای جهان اهمیت زیادی پیدا کرد و به رغم این‌که تعریف درستی از آن در دست نیست لکن از ارزش و اعتبار قانونی آن در زمینه پذیرش از طرف کشورها و ایجاد مقررات خاص برای آن در عرصه بین‌المللی کاسته نشده است. اولین قانونی که در زمینه حقوق مؤلف به وجود آمد، به سال ۱۷۰۹ در کشور انگلستان بود که به نام قانون «ملکه آن» معروف شد. پس از آن در سال ۱۷۷۷ از طرف لویی شانزدهم؛ پادشاه فرانسه قانون دیگری در زمینه حقوق مؤلف وضع شد. در آمریکا نیز اولین قانونی که در دفاع از حقوق مؤلف از طرف جمهوری فدرال وضع شد، در سال ۱۷۹۰ بود. پس از آن و برای اولین بار در سال ۱۹۱۰ از جانب حکومت عثمانی قانون حمایت از حقوق مؤلف به کشورهای عربی راه پیدا کرد و اولین قانون عربی محض که در مورد حقوق مؤلف وضع شد، قانون مغربی بود که در ۱۹۱۶ تصویب شد، اما اولین قانون عربی که درباره حمایت از حقوق مؤلف تصویب شد، قانونی بود که در مصر نوشته و به قانون مصری شماره ۲۵۴ معروف شد. این قانون برای اولین بار در زمان استقلال مصر و در سال ۱۹۵۴ به طور رسمی ابلاغ شد. از آن پس مسئله حقوق مؤلف جزء اساسی حقوق بشر شناخته شد و سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۴۸ موجودیت چنین حقی را به تمامی اعضا اعلام کرد. به طوری که در ماده ۵۷ این قانون تصریح شده هر انسانی حق دارد در صورت خلق آثار یا نشر افکار ادبی و فنی خویش از منافع اجتماعی و آثار علمی آن بهره‌برداری کند. حمایت دولتی از حقوق مؤلف در طول تاریخ سبب شد تا به صورت مجموعه‌ای نام‌نامه ضمن قوانین کشوری مورد استفاده قرار گیرد و در نتیجه نوعی تعامل بین کشورهای عضو قراردادهای بین‌المللی از آن استفاده شود. اگرچه وجود چنین قراردادهایی برای رسیدگی به کلیه جوانب امر کافی به نظر نمی‌رسید، لیکن به دلیل علاقه‌ای که وجود داشت، تلاش کشورها برای رسیدن به قانون کامل جهت حمایت از حقوق مؤلف بیشتر شد. تا آن‌جا که اولین توافق‌نامه جامع که کلیه مراتب حقوق مؤلف را شامل می‌شد، در سال ۱۸۸۶ در شهر برن منعقد شد. این توافق‌نامه به صورت مرجعی برای سازمان جهانی حق مالکیت فکری درآمد. این توافق‌نامه در سال ۱۹۵۲ به پیمان‌نامه جهانی حقوق مؤلف پیوست که تحت نظارت سازمان ملل متحد در زمینه آموزش و پرورش و فرهنگ با نام یونسکو^۵ فعالیت می‌کند. حقوق مؤلف دائم در حال رشد بوده است تا جایی که نوشتجاتی که تحت حمایت حقوق مؤلفین قرار گرفته مورد توجه واقع شده است. به طوری که به صورت حیرت‌آوری قیمت تجاری آن‌ها بالا رفت. تا جایی که ایالات متحده آمریکا مدعی درج موضوعات حمایت از حقوق مالکیت فکری در قراردادها شد. این باعث شد پیمان‌نامه به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت فکری با علامت اختصاری تریپس^۶ بسط یابد که هم حقوق مؤلف هم تمامی شئون حقوق مالکیت فکری را دربرمی‌گرفت. اما در زمینه حقوق مؤلف پیمان‌نامه «تریپس» گوی

سبقت را از پیمان‌نامه‌های متعددی که در این زمینه به وجود آمده بود ربود. این پیمان‌نامه شامل موارد زیر است:

- ۱ - پیمان‌نامه برن در حمایت از نوشتجات فنی و ادبی است که در ۹ سپتامبر ۱۸۸۶ منعقد شد.
 - ۲ - توافق‌نامه جهانی حقوق مؤلف که در ۶ سپتامبر ۱۹۵۲ در ژنو به امضا رسید و سازمان یونسکو با ۱۲۷ دولت عضو خود بر آن نظارت دارد.
 - ۳ - پیمان‌نامه کشوری ضبط آثار سمعی و بصری، پیمان‌نامه فیلم در آوریل ۱۹۸۹ است. پیمان‌نامه مادرید در مخالفت به دو برابر شدن مالیات حق تألیف در ۲۳ دسامبر ۱۹۷۹ و پیمان‌نامه واشنگتن در حمایت از مؤسسات پیشرفته در ۲۶ می ۱۹۸۹ منعقد شد. این پیمان‌نامه‌ها صرفاً برای پوشش دادن به حقوق مؤلف به وجود آمد. اما حقوق مؤلفینی مانند بازیگران، نوازندگان و سازندگان (تولیدکنندگان) و گروه‌های رادیویی در سه پیمان‌نامه دیگر و به طور جداگانه لحاظ شده است که به ترتیب عبارتند از:
 - ۱ - پیمان‌نامه «رم» منعقد در سال ۱۹۷۰ تحت عنوان حمایت از سازندگان آثاری که در مقابل آثار غیر قانونی قرار داشتند.
 - ۲ - پیمان‌نامه نشر علائم خبری از طریق ماهواره که در سال ۱۹۷۴ در بروکسل به امضا رسید.
- در اینجا لازم می‌دانیم در مورد توافق‌نامه حمایت از حقوق نویسندگان فنی و ادبی که در برن منعقد شده است و هنوز نسبت به عرضه مفاد و آثار پیمان‌نامه مالکیت فکر در سازمان «گات» اقدامی نشده بود، روشنگری‌هایی انجام دهیم. زیرا این پیمان‌نامه به طور کلی به احکام و تصمیمات پیمان‌نامه برن و پی‌آمدهای بعدی آن و التزام به قوانین و مقررات وضع شده در آن نظر دارد برای مثال در پیمان‌نامه برن گفته شده است: کلیه اعضا اتحادیه موسوم به برن باید همان اعضا پیمان‌نامه باشند و اعضا می‌توانند کارهای فنی و ادبی خود را در خاک کشورهای یکدیگر و به صورت مجاز و آزادانه و همان‌طور انجام دهند که برای اجانب در نظر گرفته شده است. برای مثال چنانچه کار ادبی که به لغت خارجی نوشته شده است، به عربی ترجمه شود، مترجم باید مورد حمایت قرار بگیرد و ترجمه او نیز به عنوان کار ادبی مستقل تلقی شود که دیگران هیچ‌گونه حق دخل و تصرف در آن ندارند. کشورهای عضو طبق ماده ۳۶ پیمان‌نامه برن موظفند قوانین خود در زمینه ثبت اختراعات و دیگر موارد مالکیت فکری را طوری تنظیم کنند که به سهولت با قوانین پیمان‌نامه تطبیق داده شود. تا از این طریق به وحدت رویه در قوانین سازمان حمایت از حقوق مؤلف دسترسی پیدا کنند. آنچه در پیمان‌نامه برن اذعان و مورد قبول واقع شده، عبارت است از داشتن حق ترجمه، چاپ مجدد و گسترش کار و تعمیم آن و همچنین تبدیل آن به فیلم. این همان چیزی است که به حقوق مؤلف تعبیر می‌شود. افزون بر این که حقوق معنوی نیز برای مؤلف وجود دارد که از آن جمله می‌توان به نسبت دادن آن اثر هنری به

صاحبش و تجلیلی که از او به عمل می‌آید، اشاره کرد. البته صرف نظر از نحوه تصرفاتی که مؤلف از حقوق مادی خود به عمل می‌آورد. همچنین حقوق معنوی رسمیت دادن به حق اعتراض مؤلف در صورت مشاهده هرگونه تحریف و خلاصه‌نویسی یا برداشتی را شامل می‌شود که با نظر و عقیده وی منافات داشته باشد یا به کرامت و حیثیت او لطمه وارد کند.

بر طبق مفاد پیمان‌نامه برن هرگونه نوشته ادبی یا فنی تا مدت ۵۰ سال بعد از فوت مؤلف آن تحت حمایت قانون قرار دارد. به اضافه این که چاپ آن در زمان حیات خود مؤلف مشمول همین حمایت می‌شود. عکس‌برداری یا کارهای فنی مشابه سازی نیز پس از یک دوره زمانی ۲۵ ساله از شروع کار ممکن است. خلاصه آنچه ذکر شد به تمامی مفاد پیمان‌نامه برن در زمینه تألیفات فنی و ادبی مربوط می‌شود اکنون می‌خواهیم به مطالب مهمتری بپردازیم که به بیان آن چیزهایی مربوط می‌شود که پیمان‌نامه مالکیت فکری «گات» مبانی و مبادی آن را تشکیل می‌دهد.

ماده ۹ پیمان‌نامه به صراحت بیان می‌دارد که رابطه میان این پیمان‌نامه و پیمان‌نامه برن در حد معینی است. به طوری که کشورهای عضو را به رعایت احکامی ملزم می‌کند که مفاد قرارداد بر آن استوار است. مانند مواد ۱ تا ۱۲ پیمان‌نامه برن که شامل احکامی است که موضوع آن حمایت از مؤلفین و مجموعه قوانین و مقررات مربوطه آن است. بنا بر این پیمان‌نامه تریس خیلی روشن بیان می‌کند حمایت از مؤلف فقط در حد به وجود آوردن محصول یا بیان و تعبیر^۷ و نه بیشتر است. در نتیجه نوع اندیشه یا راه و روش‌هایی که در پیدایش محصول نقش داشته‌اند، به تنهایی مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرند. به این معنی که مؤلف نمی‌تواند در قبال عرضه طرح محصول فکری یا تفکر در مورد آن تقاضای حمایت و مساعدت کند و مدعی شود چون این عمل به عنوان ابزار کار او بوده است و باید حمایت شود. پس چنانچه دیگران نیز از همان طرح و فکر استفاده کردند مؤلف فقط می‌تواند، در حد حرف و اندیشه مورد حمایت قرار گیرد. زیرا اقتباس از افکار و اندیشه‌ها تا جایی که فقط در حد اقتباس حرفی و فکری باشد هیچگونه منع قانونی ندارد و آزاد است. این که گفته شد تعابیر به کار برده شده مورد حمایت است، ولی درباره افکار و اندیشه‌ها تا قبل از این که به مرحله تعبیر برسند، مشکلی وجود ندارد، به این دلیل است که میل و رغبت افراد در هنگام تولید اثر فنی و ادبی به صورت نهاد و ریشه در تعابیر بیشتر به چشم می‌خورد تا در افکار. بنا بر این در حال و هوای فنی و ادبی بهتر آن است از کلمه تعبیر تا فکر و اندیشه اسم برده شود. بنا بر این مواد پیمان‌نامه تریس در زمینه مدت زمان در نظر گرفته شده برای حمایت از حقوق مؤلف با زمان تعیین شده در پیمان‌نامه برن کاملاً منطبق است و همخوانی دارد. در هر دو آنها فرصت ۵۰ ساله، به علاوه مدت زمانی که مؤلف در قید حیات است، برای حمایت از تألیفات وی در نظر گرفته شده است. لیکن در یک مورد اختلاف دیده می‌شود و آن مربوط به مسئله عکس‌برداری و سایر کارهای فنی مشابه است که مدت زمان تعیین شده ۲۵ سال

است. اما در پیمان‌نامه برن این مدت را به ۵۰ سال افزایش داده‌اند. زیرا پیشرفت‌های فنی و علمی به قدری فزونی گرفته‌اند که در کارهای تصویری و اعمال فنی مشابه می‌توان ابداعاتی انجام داد که در بعضی موارد تشخیص نسخه اصلی از نسخه بدلی مشکل است. به همین دلیل احساس می‌شد موضوع حمایت از حقوق مؤلف در این زمینه بازبینی احتیاج دارد تا با سایر حقوق هماهنگ شود. اما در مورد حمایت از برنامه‌های رایانه‌ای نیز پیمان‌نامه تریپس اقدامات لازم را مطابق با قرارداد (۱۹۷۱) برن معمول داشته است. اما آنچه به برنامه‌های سیستم‌های محاسبه‌گر رنگ و بوی کارهای فنی و ادبی می‌دهد، نقاط اشتراکی است که با سایر اعمال فنی و ادبی دارند. توضیح این که آن موادی که تحت حمایت برنامه‌های سیستم‌های محاسبه‌گر در می‌آیند، در واقع همان مجموعه‌های گفتاری یا چیزهای دیگری هستند که تشکیل دهنده طرز تفکر تازه‌ای است که بر اثر پاکسازی فکری یا مرتب‌کردن آن به عمل آمده است. بنا بر این صرف بیان علمی و ادبی یا مفاد چیزی که دارای بار علمی است، نمی‌تواند مشمول قانون حمایت بشود. مگر این که در حقوقی که بیشتر برای مؤلفین ذکر شد به وجود بیاید. در این حالت به همان ترتیب و کیفیت عمل خواهد شد که در مورد کارهای فنی و ادبی دیگر گفتیم. یعنی این که حمایت صرفاً از حاصل فکر و اندیشه خواهد بود نه خود فکر و اندیشه به تنهایی. در حالی که اجزای تشکیل دهنده سیستم‌های محاسبه‌گر و اجزای تشکیل دهنده کارهای فنی و ادبی از نظر طبیعت و محتوی در حد و اندازه متفاوتی قرار دارند. برای مثال برنامه‌های سیستم‌های محاسبه‌ای می‌توان به صورت مواد و اجزائی در آیند که در حد خودش به صورت کاملاً قانونی در مواد و اجزاء برنامه‌های دیگر و برای اغراض دیگر مورد استفاده قرار بگیرند و تنها تغییراتی که ممکن است ایجاد شود، این است که آنها را از قالب‌ها و دسته‌بندی‌هایی که دارند، به صورت‌های گوناگون دیگری درآوریم. بنا بر این جایز نیست در این حالت ادعای حق خود را در حمایت از این بیانات یا موادی که در جهت منافع صاحبان غیر اصلی خود به کار رفته است، اعلام کنیم. بلکه باید گفت دیگران می‌توانند در صورت مرتب و پاکیزه کردن اجزاء اصلی و آن چه به وسیله تغییر ساختاری در پیدایش امر جدیدی تأثیر مستقیم دارد، ادعای حق مالکیت کنند و متوقع باشند حمایت می‌شوند. اما زمانی که برای حمایت از آثار در نظر گرفته شده بود، اختلاف شدیدی میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه به وجود آوردن لذا پیشنهادات مختلفی از جانب بعضی دولت‌ها در مورد طولانی بودن یا کوتاه بودن زمان مذکور داده شده است. عمدتاً این پیشنهادها بر حسب ابداع یا اختراع، مدت زمانی از یک تا ده و ۲۰ سال پی در پی را در نظر گرفته بودند. همچنین موضوع برنامه‌های رایانه‌ای نیز در درجه اعتبار قرار گرفت و تحت ضوابط و مقرراتی درآمد که برای کارهای فنی و ادبی در نظر گرفته شده بود. درباره حقوق مجاور از قبیل حق هنرمندان در زمینه ضبط کارهای نمایشی آنان یا نسخه‌برداری از آن یا پخش آن از طریق ماهواره^۸ نیز به همین سیاق عمل شد.

چنانچه تمامی این‌ها بدون اجازه هنرمندان انجام گیرد، می‌توان از طریق پیمان‌نامه تریپس که مستکفل این امر است، اقدامات لازم را انجام داد. به همین طریق حق گروه‌های رادیویی در خصوص عدم ضبط برنامه‌های آنها و نسخه‌برداری از آن و پخش مجدد و نمایش آن برای مردم از طریق تلویزیون بدون اجازه قبلی از طرف گروه محفوظ است. لکن در مورد شهرهایی که به گروه‌های رادیویی اجازه چنین فعالیت‌های دائمی می‌دهند و این حقوق را محترم نمی‌شمرند، باید به اعطاء اجازه به مالکان حقوق مؤلف در خصوص آن مقدار از کارهای پخش شده آنها ملزم شوند تا بتوانند در مورد جلوگیری از ادامه آن بر طبق قوانینی اقدام کنند که در پیمان‌نامه برن وجود دارد. زیرا بر این اساس او ناچار از اتخاذ شیوه‌های قانونی منع است. اگرچه بنابر ماهیت جامعه که حاصل نظام اداره شهرها است، در این خصوص کوتاهی و چشم‌پوشی به عمل می‌آید.

و اما مدت زمانی که پیمان‌نامه برای حمایت از هنرمندان و تهیه‌کنندگان نوارهای صوتی در نظر گرفته است، ۵۰ سال است که از آخر سالی محاسبه می‌شود که نمایشنامه یا صدابرداری به پایان رسیده است. اما در مورد گروه‌های رادیویی زمان حمایت چیزی در حدود ۲۰ سال در نظر گرفته شده که از انتهای سالی محاسبه می‌شود که آثار رادیویی پخش شده است. در این زمینه لازم است اشاره شود پایبندی دولت‌های عضو به پیمان‌نامه تریپس یا پیمان‌نامه برن یا هر پیمان‌نامه دیگری که در مورد حقوق مؤلف و حقوق مشابه وضع شده است، به این معنی نیست که می‌بایست کلیه قوانین دولتی و کشوری را مطابق با آن وضع کنند. به طوری که مثلاً تمام کشورها قوانین خود را طبق قانون اساسی همان کشور درآورند. اما به عنوان دولت عضو باید به مفاد اساسی پیمان‌نامه که در زمینه التزام دولت‌ها به احکام پیمان‌نامه تنظیم شده است، پای‌بند باشند و آن را ضمن قوانین کشوری ملحوظ بدارند. مهمترین این احکام نیز مدت زمان تعیین شده برای حمایت و نحوه محاسبه آن است. پس هیچ دولتی مجاز نیست نسبت به مدت تعیین شده برای حمایت از حقوق مؤلف تغییراتی ایجاد کند و از زمان تعیین شده بکاهد. اما این حق را دارد که چنانچه مصلحت اقتضا کند مدت را بالا ببرد یا این که موقعیتی در اختیار صاحب حق قرار دهد تا آن را تمدید کند. همچنین دولت‌ها حق دارند نسبت به پیاده کردن قانون حمایت از حقوق مؤلف در زمینه نشر خود طوری عمل کنند که بیگانگان به سهولت به آن دسترسی پیدا کنند. اما نمی‌توانند و مجاز نیستند با پیچیده کردن نحوه رسیدگی به صورت غیر قابل قبول یا با احکام و قوانین موجود در پیمان‌نامه‌ها و سایر قراردادها که در حقیقت پائین‌ترین مرحله از قوانینی هستند که درباره با حقوق مؤلف مورد قبول دولت‌ها قرار گرفته‌اند، دادرسی را طولانی کنند. البته این قوانین در رابطه با مصالح دولت‌ها به وجود نیامده است تا هنگامی که مصالحشان اقتضا می‌کند، جهت توسعه آن اقدام کنند.

آثار پیمان نامه مالکیت فکری

مسئله شکل‌های تجاری مربوط به حقوق مالکیت فکری از جمله مسائلی است که اخیراً جزو گفتگوها برای آزادسازی تجارت بین‌المللی به حساب می‌آید. لکن آن چنان که گذشت، طرح این اندیشه، یعنی حمایت از حقوق مالکیت فکری به خودی خود پدیده جدیدی در کشور مصر نیست. زیرا قانون حمایت از مخترعین در سال ۱۹۴۹ به وجود آمد. پس از آن قانون حمایت حقوق مؤلف در سال ۱۹۵۴ تصویب شد و در سال ۱۹۹۲ بود که با قانون شماره ۳۸ تعدیل شد تا بدین وسیله بتواند همگام با پیشرفت‌های بین‌المللی در عرصه اجتماعی حمایت از حقوق مؤلف پیش برود. به خصوص که معتبر شدن برنامه‌های رایانه‌ای که در ضمن کارهای فنی و ادبی قرار داشت، در همان زمان مورد حمایت قرار گرفت. اما از آنجائی که کشور مصر علاقه زیادی به شرکت در فعالیت‌های بین‌المللی از خود نشان می‌داد، بالاخره در سال ۱۹۷۶ به سازمان جهانی مالکیت فکری «ویپو» پیوست. این سازمان همان سازمانی است که برای ۲۳ پیمان نامه بین‌المللی که به بررسی جوانب مختلف مالکیت فکری پرداخته است، نظارت و اشراف دارد و کشور مصر که یکی از اعضای این سازمان است، توانسته در نه توافق نامه عضویت پیدا کند که مهمترین آنها پیمان نامه برن در حمایت از نوشتجات فنی و ادبی و پیمان نامه پاریس در حمایت از آثار مخترعین است. اما در زمینه ارتباط کشورهای عربی با یکدیگر، وجود یک پیمان نامه عربی در مورد حقوق مؤلف است که در سال ۱۹۸۱ در بغداد منعقد شد. منتها به دلیل قطع ارتباط اعراب با مصر، این کشور نتوانست در این پیمان نامه عضویت پیدا کند اگر چه اخیراً با وارد شدن مصر به جمع اعضا، موافقت شد. اما به نص صریح ماده ۱۹ این پیمان نامه، حق مؤلف فقط در طول ۲۵ سال مورد حمایت است. این زمان نصف مدتی است که در پیمان نامه‌های بین‌المللی دیگر، چه پیمان نامه برن چه پیمان نامه گات، در زمینه حمایت از حقوق مالکیت فکری قید شده است. مهمتر آن که پیمان نامه‌های عربی از هر نوع احکام و قوانینی عاری است که می‌توانند به صورت ابزاری برای تصفیه حساب‌ها و دعوایی باشند که در نتیجه عدم احترام به حقوق مؤلف در کشورهای عربی به وجود می‌آیند. این پیمان نامه و مفاد آن در قالبی عرضه شده است که نشانه‌های زیادی از انعطاف پذیری در آن دیده می‌شود تا بتواند موقعیتی ایجاد کند که دولت‌های امضا کننده آن التفات بیشتری نسبت به احکام و روش‌های عرضه شده داشته باشند. به طوری که نوعی قدرت باطنی برای دولت‌های عضو ایجاد شده است تا قوانینشان را در شکل و قالبی درآورند که دوست دارند. و این همان کاری است که باعث می‌شود پیمان نامه از مضامین ملامت بار خود پاک شود. اما پیمان نامه مربوط به اشکال تجاری حقوق مالکیت فکری که در چار چوب گات نوشته شده، توانسته است به حد بالاتری از اهداف خود برسد. چه از نظر محدوده فن‌آوری که حمایت از آن لازم و واجب است یا آن چیزهایی که در هر حال حمایت از آنها به صورت اختیاری در نظر گرفته شده است. از آنجائی که

فن‌آوری به انواع و اشکال مختلف تحت حمایت قرار دارد، دامنه آن چنان گسترش پیدا کرد که شخص سازنده نهایی را نیز در بر گرفت. در حالی که پیشتر فقط در محدوده حمایت از صنعت قرار داشت و این همان چیزی بود که به دستگاه‌های تحقیقات علمی در مصر فرصت داد تا در زمینه نیل به راه‌های مختلف صنعت برای به دست آوردن همان محصول جد و جهد کنند. زیرا این روش، یعنی تحقیق، از نظر هزینه هم با صرفه‌تر هم از نظر موقعیت اقتصادی و اجتماعی به هدف نزدیک‌تر می‌نماید. از طرفی نیز موجب سقوط امتیازنامه اختراع خواهد شد. و به درستی که چنین تصمیمی مفید واقع شد. به خصوص در مواردی که به مواد غذایی و سلامتی انسان و از آن مهمتر به تولید دارو و مواد شیمیایی کشاورزی مربوط است. سرانجام در پناه مفاد پیمان‌نامه جدید، چنانچه صاحب امتیاز به ثبت عین محصول اقدام کند، از حمایت دو جانبه‌ای برخوردار خواهد شد که در آن واحد هم محصول را پوشش می‌دهد هم راه‌های رسیدن به تولید را. پس از پیمان‌نامه‌های امضا شده، در نتیجه رایزنی‌های اورجواوی فرصت‌هایی برای دولت‌ها و به خصوص دولت‌های آسیایی، به وجود آمد تا خود را به آنچه مهندسی معکوس نامیده می‌شد، متکی بدانند. این مهندسی باعث می‌شد به رمز و راز آثار اختراع شده غربی‌ها آگاهی حاصل کنند و راه‌های ساختن آن محصول و سایر محصولات و همچنین سرازیر کردن آنها را به بازار، بدون نیاز به اجازه قبلی از مالک و صاحب امتیاز را شناسایی و از آن استفاده کنند این امر موجب کمک به این دولت‌ها شد تا به موازات پیشرفت‌های داخلی در زمینه تحقیق علمی، به تحقیقات فنی گسترده دیگری برسند که آنها را در زمره دولت‌های صنعتی و فنی قرار دهد که به نام کشورهای صنعتی نو شناخته می‌شوند.

از طرف دیگر پیمان‌نامه جدید دوره حمایت اعطائی برای امتیازنامه‌های اختراعات را به صورت عمومی از ۱۵ سال تا ۲۰ سال بالا برد و اجازه داد مالک آن امتیاز از حقوق انحصاری واردات و ساخت و ساز و در اختیار داشتن و فروختن محصول تحت حمایت و دارا بودن حق کامل ترخیص برای دیگران، از طریق دریافت وجه مادی مناسب و بر طبق شروطی که برای مالک امتیاز نامه در نظر گرفته شده است، برخوردار باشد. به این ترتیب می‌توان مدعی شد مفاد این پیمان‌نامه اجمالاً با آنچه در جهان فعلی نسبت به انتقال فن‌آوری و صنعت نشان داده می‌شود همخوانی دارد. البته بین انتقال فن‌آوری با الگوی پسندیده دیگری که تحت عنوان حفاظت از فن‌آوری شناخته شده است، تفاوت زیادی وجود دارد. مورد اول به این شکل است که جابجایی در چارچوب کمک‌های فنی صورت می‌گیرد که کشورهای پیشرفته بدون دریافت هزینه یا در مقابل هزینه‌ای خیلی ناچیز برای کشورهای در حال توسعه انجام می‌دهند. در حالی که حفاظت و نگهداری از فن‌آوری یک پدیده تجاری صرف است که روش‌های محدود و مشخصی دارد. اما در زمینه خرید فن‌آوری حقیقی که مراد همان دستگاه‌ها و تأسیسات مشابه یا امتیاز تولید چیزی یا واردات و خرید و فروش آن است یا این که

کالاهایی وارد کنیم که در کنار آن ناچار از خرید فن‌آوری پیشرفته نیز باشیم، روش‌های خاصی وجود دارد. بنا بر این آخرین چیزی که می‌تواند در مقابل پیشرفت‌های جهانی برای کشورهای در حال توسعه مایه امید باشد، این است که قدرت‌های درونی این دولت‌ها را در زمینه تحقیقات پیشرفته علمی به کار بگیریم. این امر نیز محتاج هزینه‌های سرسام‌آوری است که باید در زمینه استخدام نیروهای انسانی و مادی مصرف کنیم و به زمان نسبتاً طولانی نیاز داریم تا بتوانیم حاصل کار را به دست بیاوریم. برای مثال برای تولید یک ترکیب دارویی قابل استفاده مبلغی حدود ۱۰۰ میلیون دلار لازم داریم تا به کار تحقیقاتی گسترده‌ای در زمینه آن پردازیم که این امر از توان مالی کشورهای در حال توسعه عموماً خارج است. کشور مصر هم بنا به وضعیت مشابهی که دارد، به همین وضع دچار است. هم‌چنان‌که پیش‌تر اشاره کردیم، دوره انتقالی که ماده ۶۵ از پیمان‌نامه منعقد شده میان کشورهای در حال توسعه به آن تصریح دارد، عبارت است از: ۵ سال قبل از شروع به اجراء احکام پیمان‌نامه به ده سال قبل از شروع در اعطاء حق حمایت از تولیدات دارویی و شیمیایی و کشاورزی افزایش یافت این خود فرصت مناسبی برای دست‌یابی به این تأسیسات صنعتی در زمینه ملی و کار کردن با آنها در زمینه‌های تحقیقی است و با تقلیل نیاز به کشورهای دیگر به نوعی اعتماد به نفس پیدا می‌کنیم. به خصوص در مواردی که به داروهای زیر بنایی مربوط می‌شود. یعنی همان چیزهایی که معمولاً نمی‌توان از آنها بی‌نیاز بود. قابل ذکر است بازارهای مصر چیزی در حدود سه هزار نوع از داروهای ترکیبی را در خود جای داده که به تمامی در کارخانجات محلی ساخته شده‌اند و به دلیل عدم تطابق مفاد این پیمان‌نامه با تولیداتی که به مصرف رسیده‌اند، تحت لوای احکام وضع شده در جهت حمایت قانونی از داروها قرار نمی‌گیرند و فقط به تولیدات دارویی جدیدی اکتفا می‌شود که قبل از اجرای پیمان‌نامه در بازارهای مصری معامله نمی‌شد. از سوی دیگر در سال ۱۹۴۹ تصمیم گرفته شد درباره قانون امتیازنامه اختراعات در مصر تسهیلاتی در نظر گرفته شود تا پا به پای پیشرفت‌های صنعتی عظیمی حرکت کند که نزدیک به نیم قرن پیش جهان شاهد آن است. هدف این تسهیلات ایجاد فضای مناسب برای جذب سرمایه‌های بیگانه در زمینه تحقیق علمی و صنعتی به خصوص در مورد فرصت‌های مهمی بود که به سختی می‌توان بدون کمک‌های دیگران از آنها در مورد کارهای تحقیقاتی و علمی ملی استفاده کرد. بنا بر این انتخاب اصلح این است که حمایت از فن‌آوری و صنعت را بر اساس معیارهای تجاری موجود بپذیریم که مفهوم جهانی نیز دارد. اما در زمینه حقوق مؤلف می‌بینیم پیمان‌نامه هیچ نوع پایبندی جدیدی را در مورد مصر و بعد از ایجاد تسهیلات در قانون حق مؤلف به وجود نیاورده است تا بتواند با مفاد پیمان‌نامه همراهی کند. مگر این‌که موقعیت نوشتجات فنی و ادبی در ضمن مهمترین موقعیتی قرار گرفته باشد که موجب سوددهی مهمی برای مصر باشد. آن‌هم به این دلیل که مصر در رأس کشورهای صادر کننده محصولات فرهنگی به کشورهای عربی دیگر و سایر کشورهایی قرار دارد

که پناهگاه اصلی مهاجرین عرب هستند. دیگر امتیاز مصر این است که این کشور از نظر تولیدات فرهنگی و فکری و فنی، چه از لحاظ چاپی چه از لحاظ سمعی و بصری، بسیار متنوع است. در همین زمینه کشور مصر متحمل خسارات بزرگی شده و جزء آن دسته از زیان‌دیدگانی است که تولیدات کالاهای فرهنگی آنها چه از نظر نسخه‌برداری‌های غیر قانونی چه از نظر دست بردن در تولیدات فرهنگی از قبیل کتاب‌ها و فیلم‌ها و نوارهای صوتی گرفتار خسارت‌های مصیبت‌بار شده است. زیرا تمام این احوال به صورت مستقیم بر فعالیت‌های هنری این کشور و به عنوان یک مجموعه بزرگ اثر منفی به جای گذاشته است. در حالی که آن گروهی که در عملیات نسخه‌برداری غیر قانونی و دست بردن در نوشتجات شرکت داشتند، به سودهای کلانی رسیدند. در اینجا سؤالی که به ذهن هجوم می‌آورد این است که آیا پیمان‌نامه گات برای مصر در این زمینه چیز تازه‌ای ارائه کرد؟

باید گفت جواب سؤال فوق مثبت است. زیرا طبق آماري که منتشر شده، خساراتی که به دلیل نسخه‌برداری غیر قانونی از فیلم‌های سینمایی در سراسر عالم به وجود آمده، معادل ۱/۵ میلیون دلار است. که این مبلغ به صورت خطرناکی رو به افزایش است. زیرا طبق برآوردی که خانه سینمای مصر انجام داده است، مبلغی که به عنوان ضایعات نسخه‌برداری از نوارهای ویدیویی تعیین شده، رقمی معادل ۷۵ میلیون دلار است. اما خسارت‌های ناشی از نسخه‌برداری غیر قانونی از کتب و مجلات غیر قابل محاسبه است. به دلیل دشواری در امر محاسبه و به دلیل نقض حقوق مؤلف و چاپ و توزیع به خصوص در کشورهای عربی، شاید مهمترین چیزی که از انعقاد پیمان‌نامه حاصل شد، التزام کلیه دولت‌های عضو به اصلاح قوانین و مقررات کشوری خود و تطبیق دادن آن با کلیه مفاد پیمان‌نامه و ملزم شدن به انتشار آن و قرار دادن این قوانین و عمل کردن به آن است. همچنین پیمان‌نامه در خصوص پیگیری تخلفات و اثبات آن و روش‌های مربوط به ارجاع دعاوی به محاکم و مجازات‌های تعیین شده‌ای که همه آنها به امضای اعضا رسیده است، از روش‌های خاصی استفاده کرده است. مهمتر از همه این‌که حقوق تجاری تعیین شده برای کشورهای عضو در زمینه مالکیت فکری موضوع مستقلی نیست که در چارچوب سازمان تجارت جهانی گنجانده شده باشد. بلکه جزء جدائی‌ناپذیری از معامله تکامل یافته‌ای است که در مقابل احکام صادره از سوی مراکز قانونی حل اختلافات محکوم به پذیرش اصول تعیین شده است. این موضوع عامل ارتباط بین چنین مصلحت‌هایی و جمیع مصالح موجود در تجارت کشورهای عضو است و این امکان برای کشورها به وجود می‌آید که روش‌هایی را برای مجازات در موارد تجارت تخلفاتی اعمال کنند که در کالا یا سایر خدمات از ناحیه طرف مقابل رخ می‌دهد. تا تحت عنوان حمایت از حقوق مالکیت فکری از منافع خود دفاع کنند. تمام این‌ها باید طبق قوانینی باشد که مراکز قانونی حل اختلافات در این زمینه اتخاذ می‌کنند که در حقیقت لازم‌الاجرا نیز است.

در نتیجه این حق برای مصر محفوظ نمی‌ماند تا به طرح دعوی نزد دایره وابسته به سازمان اقدام کند. بدین وسیله نسبت به تعدی عضو دیگر در مورد خسارت تجاری مربوط به حقوق مالکیت فکری که از طرف او وارد آمده و همچنین برای امحای ضرر ناشی از همان تجاوز ابتدا در قالب جلوگیری و منع سپس در حالت شکست همان روش محاسبه جهت حفظ مصالح به کار گرفته می‌شود. به اجمال این موقعیت برای مصر به وجود می‌آید تا با استفاده از احکام پیمان‌نامه مالکیت فکری نسبت به محصولات فرهنگی خود مصونیت ایجاد کند. اما در زمینه ساخت دارو و مواد شیمیائی زراعی، باید در صدد ایجاد فضای مناسب برای جذب سرمایه‌های خارجی باشد، که بهترین جایگزین در مقابل صنایع مصری برای رسیدن و همراهی با توسعه و پیشرفت‌های لازم در این زمینه است.

پی‌نوشت

۱. برگرفته از کتاب *الحجات*، قاهره، الدار المصرية اللبنانية، ۱۹۹۶، ص ۱۴۳-۱۵۶.

2. WIPO

3. Trips

4. Integrated Circuits

5. Unesco

۶. کلمه تریپس به اختصار عبارت است از عبارت انگلیسی *Trade related aspects of Intellectual Property Rights*.

7. Expression

۸. در قوانین آمریکای شمالی برنامه‌های کامپیوتری جزء قانون اختراع نه در زمره تألیفات هنری و ادبی آمده است.

9. NIC'S